



مهری بهرام بیگی *

نگاهی به سرفصلهای درسی رشته زبان فرانسه (ادبیات و مترجمی)

چکیده

زبان فرانسه یکی از قدیمیترین زبانهای رایج در ایران بوده است و سابقه یادگیری آن به روزگار صفویه باز می‌گردد. در این مقاله پس از ذکر مقدمه‌ای در خصوص تاریخچه آموزش زبان فرانسه در ایران و تغییر و تحولاتی که تا به امروز متحمل شده است، به بررسی سرفصلهای درسی آن می‌پردازیم. قصد نگارنده از نگارش این مقاله نقد سرفصلها نیست، بلکه با ذکر مجموعه‌ای از خصوصیات مطلوب یک سرفصل از جمله خالی از ابهام بودن، منسجم بودن، مرتبط بودن سرفصل با گرایش رشته، روزآمد بودن آن، کاربردی بودن آن، متناسب بودن سرفصلها با حجم و مقدار واحد درسی و دوری از تکرارها و تداخل مطالب سعی کرده است سرفصلهای این رشته را با این خصوصیات مقایسه کرده، پیشنهادهایی ارائه دهد.

زبان، وسیله‌ای برای بیان افکار انسانهاست و به عبارت دیگر توانایی انسان در برقراری ارتباط با هم‌نوع از طریق زبان صورت می‌گیرد. زبان از دو نظر اهمیت دارد: نخست آنکه وسیله‌ای است برای شناخت فرهنگها، تمدنها و آداب و رسوم دیگران و همینطور شناساندن فرهنگ و تمدن خود به دیگران و دوم آنکه وسیله‌ای است برای ارتباطات اجتماعی. بنابراین یادگیری زبان از دیرباز مورد توجه انسان بوده؛ بویژه در ایران وجود کتیبه‌های چند زبانه خود دلیلی بر این ادعاست و یادگیری زبانهای خارجی همواره مورد توجه ایرانیان بوده است؛ زبان فرانسه نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در ایران، سابقه آموزش زبان فرانسه به عنوان یکی از زبانهای رایج فعلی به روزگار صفویه باز می‌گردد. زمانی که بیشتر درباریان علاقه‌مند به یادگیری این زبان بودند. در دوره قاجار نیز به دلیل افزایش تماسهای ایران و اروپا و سفرهای اروپاییان به ایران، تحصیلکردگان غیر درباری نیز کمابیش با زبان فرانسه آشنا شدند مضافاً به اینکه مدارس مختلفی نیز از طرف مبلغان فرانسوی در نقاط مختلف ایران تأسیس شد. پس از جنگ جهانی دوم زبان فرانسه جای خود را به زبان * عضو هیأت علمی سازمان مطالعه و تدوین (سمت)

انگلیسی داد و بتدریج از رونق آن کاسته شد. اما با وجود این، آموزش این زبان همچنان در ایران ادامه یافته است.

آموزش رسمی زبان فرانسه در ایران به پس از تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸ باز می‌گردد. از جمله دستاوردهای مهم دارالفنون ترجمه و تألیف کتابهای درسی از طرف معلمها، مترجمها و فارغ‌التحصیلان دارالفنون بود که چاپخانه مدرسه آنها را به چاپ می‌رساند و بین شاگردان و علاقه‌مندان توزیع می‌کرد؛ از جمله این کتابها، کتابی راجع به تعلیم زبان فرانسه و لغت فارسی و فرانسه تألیف میرزا علی اکبر خان زین‌الدوله بود. یکی از اقدامات مؤثر در افزایش آشنایی ایرانیان با این زبان، اعزام دانشجویان به فرانسه از طرف وزارت معارف وقت بود.^۱ علاوه بر این، دولت فرانسه نیز اقداماتی در جهت ترویج زبان فرانسه در ایران به عمل آورد که از آن جمله می‌توان به تأسیس مدرسه سن‌لویی^۲ در تهران در سال ۱۲۷۷ شمسی، مدارس دخترانه در تبریز، سلماس، ارومیه و اصفهان از طرف جمعیت خواهران سن و نسان دُپل^۳ در سال ۱۲۸۲ شمسی، مدرسه آلیانس فرانسه از طرف جمعیتی با همین نام در تهران در سال ۱۳۱۶ شمسی اشاره کرد. این در حالی است که تنها مدارس فرانسوی در ایران فعالیت داشتند.^۴

در فاصله زمانی بین سالهای ۱۳۳۹ - ۱۳۵۹ زبان فرانسه در ایران رونق دوباره یافت. گواه این مطلب اعزام ۶۷۹ نفر دانشجویان برای تحصیل در علوم مختلف به کشور فرانسه تنها در سال تحصیلی ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ بود و بدین ترتیب آموزش زبان فرانسه در اولویت کاری مراکز آموزش عالی قرار گرفت به عنوان مثال اولین کلاس زبان و ادبیات فرانسه در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد در تاریخ دوشنبه ۱۲ نوامبر ۱۹۶۵ مطابق با ۲۲ آبان ۱۳۴۴ شمسی تشکیل شد که در آن زمان ۱۸ دانشجو (۱۱ پسر و ۷ دختر) به تحصیل اشتغال داشتند. بدین ترتیب رشته زبان و ادبیات فرانسه تأسیس شد در حالی که هماهنگی چندانی برای آموزش این زبان در مراکز آموزش عالی دیده نمی‌شد به عنوان مثال در دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران دانشجویانی تربیت می‌شدند که بتوانند پس از اتمام تحصیلات دو زبان از سه زبان رایج (آلمانی، انگلیسی و فرانسه) را بشناسند. فارغ‌التحصیلان این رشته لیسانس دو زبانه^۵ می‌گرفتند. در سال ۱۳۴۹ زبان فرانسه به عنوان یک رشته مستقل شناخته شد و گروههای آموزشی آن در دانشگاههای مشهد، تهران، تبریز، اهواز و اصفهان تا پیش از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی تأسیس شد. با انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاهها، ضرورت بازنگری سرفصلهای درسی دانشگاهی در اولویت‌کاری ستاد انقلاب فرهنگی قرار گرفت. در این راستا، کمیته

برنامه‌ریزی رشته زبان فرانسه نیز در ستاد مزبور تشکیل شد و پس از چند دوره اجرای طرح کارشناسی مصوب ۶۲/۱۱/۲۳، ستاد با توجه به نظرهای مدرسان و مجریان در خصوص مشکلات و نارساییهای برنامه مصوب، تصمیم به بازنگری مجدد آن گرفت. سپس برنامه مصوب رشته برای دومین بار در دویست و دهمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی در تاریخ ۶۹/۱۰/۱۶ مطرح و در سه فصل شامل مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس تصویب شد.^۱

در برنامه مذکور، هدف از تأسیس این رشته، تربیت مترجمان و پژوهشگران متعهد و متخصص در زمینه ترجمه و پژوهشهای علمی و ادبی ذکر شده است. بنابراین سرفصلهای این رشته برای نیل به اهداف ذیل تهیه شدند:

۱. بیرون آوردن فرهنگ مملکت از وابستگی به زبان انگلیسی و نظام تک‌زبانی؛
۲. ایجاد امکان انتخاب زبان فرانسه به عنوان یک زبان خارجی برای دانش‌آموزان و دانشجویانی که تمایل به ادامه تحصیل و تحقیق در این زبان را دارند.
۳. تأمین نیاز وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلف در زمینه امور ترجمه و تحقیق از منابع فرانسوی؛

۴. تربیت مترجمان و پژوهشگران آشنا به زبان فرانسه به منظور انتقال و اشاعه فرهنگ انقلابی و معارف اسلامی به سایر ملل و سرانجام تسهیل برقراری ارتباط سیاسی، علمی، فرهنگی و اقتصادی با کشورهای مسلمان فرانسوی زبان و شناخت آداب و رسوم و خصوصیات مردم آن کشورها.

در حال حاضر این برنامه ملاک آموزش زبان فرانسه در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور است. اکنون با توجه به گذشت قریب یک دهه از تصویب برنامه مذکور، و نیز تغییرات و تحول زبان در این مدت، به نظر می‌رسد محتوای این برنامه نیز نیاز به بازنگری دارد. در این مقاله سعی شده سرفصلهای درسی رشته زبان فرانسه مورد بررسی قرار گیرد.

سرفصل را وسیله‌ای برای معرفی ساختار یک درس، روشهای اجرایی آن و آنچه که دانشجویان باید انجام دهند و چگونگی ارزشیابی عملکرد آنان به وسیله استاد تعریف کرده‌اند^۲ و از آنجاکه هدف اصلی تهیه آن، ایجاد هماهنگی در دوره‌های دانشگاهی مشابه در همه مراکز و مؤسسات آموزش عالی^۳ است بنابراین نقش مهمی را در آموزش برعهده دارد.

هر سرفصل از بخشهایی چون عنوان درس، تعداد واحد، نوع واحد (نظری - عملی)، عنوان

درس یا دروس پیشنهادی، هدف درس و فهرست موضوعاتی که در برنامه گنجانده شده و همچنین نحوه آزمون (کتبی - شفاهی) تشکیل شده است. از این رو برای نیل به اهداف از پیش تعیین شده در برنامه دروس، سرفصلها می‌بایست دارای ویژگیهای خاصی باشند. در ذیل ضمن اشاره به این ویژگیها، سرفصلهای درسی رشته زبان فرانسه بررسی می‌شوند.

الف) خالی از ابهام بودن. یک سرفصل درسی مطلوب باید خالی از ابهام باشد به عنوان مثال به سرفصل درس دوره مقدماتی زبان فرانسه اشاره می‌کنیم. این درس هیچگونه پیشینازی ندارد و هیچ تعداد واحدی نیز برای آن در نظر گرفته نشده، زیرا همانطور که از عنوان آن مشخص است دوره‌ای است مخصوص دانشجویانی که در بدو ورود به دانشگاه هیچگونه آشنایی قبلی با زبان فرانسه ندارند و پس از گذراندن این دوره می‌بایست آشنایی کافی با فرانسه گفتاری و نوشتاری پیدا کنند تا بتوانند دروس مشترک و اختصاصی رشته خود را بگذرانند طبق این سرفصل طی ۳۰۶ ساعت آموزش نظری زبان فرانسه یکی از روشهای زبان آموزی به طور کامل تدریس می‌شود تا دانشجو برای گذراندن زبان فرانسه تخصصی (۱) و (۲) آماده شود. عبارت یکی از روشهای زبان آموزی از جمله ابهامات این سرفصل محسوب می‌شود، چرا که روشهای زبان آموزی متعدد بوده و هر کدام هدف خاص خود را دنبال می‌کنند. برخی از این روشها با بکارگیری شیوه‌های سمعی بصری و ویدئو کاستها به فرانسه شنیداری و گفتاری اهمیت ویژه‌ای می‌دهند؛ در عوض برخی از روشهای زبان آموزی بر نکات دستوری، آواشناسی و واژگان تأکید بیشتری دارند و آموزش بسیاری از نکات را بر عهده مدرس می‌گذارند و از ذکر آنها در کتابهای زبان آموزی امتناع می‌کنند؛ روشهای زبان آموزی Tempo، café crème، sans frontière و ... از این قبیل هستند. نمونه دیگری از ابهام در سرفصل درس دیکته و گرامر (۲) ملاحظه می‌شود. پیشنهاد این درس، درس دیکته و گرامر (۱) است و هدف آن آشنا نمودن دانشجویان با اصول گرامر پیشرفته فرانسه و قواعد دیکته و ایجاد مهارت در تجزیه و ترکیب جملات فرانسه بوده و به ارزش ۴ واحد است. در سرفصل درس اینگونه آمده است که: - افعال: آینده. مقدم وجه التزامی استمراری و بعید وجه شرطی نوع دوم، افعال نیمه معین، جملاتی که دارای فاعل ظاهری باشند، تطابق زمانها و ... باید تدریس شوند. وجود سه نقطه و نامحدود کردن این سرفصل از جمله ابهامات آن محسوب می‌شود و این ابهامات بویژه در تألیف کتابهای درسی منطبق با سرفصلها بیشتر نمایان می‌شود. نمونه‌ای دیگر از ابهام در سرفصل درس خواندن متون اسلامی مشاهده می‌شود. در این سرفصل انتخاب بخشهایی از کتابها و مقالات معتبر نوشته شده به زبان فرانسه در

زمینه مسائل اسلامی به عنوان برنامه در نظر گرفته شده است، اما عبارت انتخاب بخشهایی از کتابها و مقالات ابهام برانگیز است؛ زیرا در این صورت، هر مدرس با توجه به ذوق و سلیقه خود متونی را برمی‌گزیند و بدین ترتیب هدف اصلی تهیه سرفصل که همانا ایجاد هماهنگی در دوره‌های دانشگاهی مشابه است، تأمین نمی‌شود. بهتر است که در این سرفصل ترجمه سوره‌ها و خطبه‌هایی خاص از قرآن مجید و نهج‌البلاغه گنجانده شود.

ب) رعایت انسجام در سرفصلها. وجود انسجام در یک سرفصل از جمله ضروریات است، زیرا در غیر این صورت مطالب با یکدیگر تداخل پیدا کرده، تکراری می‌شوند و جز به هدر رفتن نیرو، وقت مدرس و دانشجو و بیت‌المال چیزی به دنبال نخواهد داشت. در اینجا به عنوان نمونه درس زبانشناسی عمومی را بررسی می‌کنیم که از دروس مشترک در هر دو گرایش ادبیات و مترجمی زبان فرانسه است. این درس به عنوان پیشنهاد دروس آواشناسی و زبانشناسی فرانسه هر کدام به ارزش ۲ واحد درسی در نظر گرفته شده است. هدف درس زبانشناسی عمومی، آشنا کردن دانشجو با تاریخچه مختصر علم زبانشناسی، شرح اجمالی مکاتب مختلف، شرح مفاهیم عمومی زبانشناسی در طول ۳۴ ساعت درس است، در حالی که در سرفصل درس آواشناسی از مطالبی چون تشریح قواعد مربوط به واجهای زبان فرانسه، قواعد مربوط به آهنگ گفتار، اتصال، حذف ادغام، ... و رابطه بین صور مکتوب و ملفوظ زبان فرانسه صحبت شده است و انسجامی بین سرفصلهای این دو درس مشاهده نمی‌شود. بنابراین بهتر است که درس زبانشناسی عمومی و زبانشناسی فرانسه در یکدیگر ادغام شده و ۲ واحد درس اخیر به دروس دیگری اختصاص یابد.

نمونه بارز دیگر در این مورد سرفصل درس ترجمه ساده است. هدف این درس آشنا ساختن دانشجویان با ترجمه متون ساده است. ضمن اینکه طبق این سرفصل دانشجو می‌بایست با ترجمه جملات ساده و مرکب از فارسی به فرانسه و برعکس، همینطور اصول و فنون ترجمه آشنا شود. آشنایی دانشجویان با کتب لغت مختلف و فراگیری و نحوه استفاده از آنها در دستور کار قرار گرفته است و این در حالی است که دانشجو ۳۰۶ ساعت درس پیش‌دانشگاهی و ۲۴ واحد دروس مختلف را گذرانده است؛ در صورتی که استفاده از کتب لغت باید در همان ابتدای آموزش زبان در برنامه قرار می‌گرفت.

نمونه‌ای دیگر در این مورد در درس تفسیر متون ادبی مشاهده می‌شود. درس درآمدی بر ادبیات فرانسه به عنوان پیشنهاد این درس در نظر گرفته شده است. در سرفصل درس پیشنهاد

دانشجو باید با نویسندگان بزرگ فرانسوی و آثار عمده آنها در قرون ۱۸ و ۱۹ و در کل با ادبیات فرانسه در این دو قرن به طور اجمالی همچنین انواع مهم ادبی چون ناول، رمان، تراژدی، کمدی، ... (ابهامی که قبلاً ذکر شد) و توضیح و تفسیر اصطلاحات ادبی آشنا شود. اما با مطالعه سرفصل درس تفسیر متون در می‌یابیم که باید متون عمیقتر و اساسی‌تری نسبت به آنچه در درس خواندن و درک مفهوم متون گوناگون^۹ آموزش داده شده است، همینطور خواندن متن و درک مفهوم آن با اشاره به سبک و افکار نویسنده و ساخت جملات و نکات دستوری مهم^{۱۰} و اشاره اجمالی به زندگی نویسنده متن و مکتب وی به دانشجو آموزش داده شود و نکته جالبتر اینجاست که وقتی به هدف درس تفسیر متون ادبی نظر می‌کنیم در می‌یابیم که هدف، آشنایی دانشجویان با متون نظم و نثر است؛ با توجه به این نکته که در سرفصل درس پیشنهاد نیز تنها تأکید بر نویسندگان قرون ۱۸ و ۱۹ و آثار آنها شده است.

ج) مرتبط بودن سرفصلها با گرایش رشته. سرفصلهای درسی یک رشته می‌بایست با گرایش آن رشته مرتبط باشند. به عنوان مثال در سرفصل درسی رشته زبان فرانسه درس تفسیر متون ادبی به ارزش ۲ واحد فقط برای دانشجویان زبان فرانسه با گرایش مترجمی در نظر گرفته شده، در حالی که وجود این درس برای دانشجویان رشته ادبیات فرانسه مفیدتر است. نمونه دیگر درس خواندن متون اسلامی به عنوان درس مشترک برای هر دو گرایش ادبی و مترجمی است، در حالی که درس خواندن و درک مفهوم متون گوناگون تنها برای دانشجویان رشته مترجمی در نظر گرفته شده است. ادغام این دو درس و ارائه آن برای هر دو گرایش مفیدتر به نظر می‌رسد. از طرفی دروسی چون نگارش پیشرفته، سخنرانی و مناظره و یادداشت‌برداری و روش تحقیق تنها برای رشته ادبیات زبان فرانسه در نظر گرفته شده‌اند. حال آنکه این دروس جنبه عمومی داشته و بویژه درس یادداشت‌برداری و روش تحقیق برای دانشجویان رشته مترجمی می‌تواند بسیار سودمند باشد و ضرورت آموزش آن به دانشجویان زمانی نمایان می‌شود که دانشجو قصد ترجمه، تحقیق یا نگارش داشته و یا حتی در مقاطع بالاتر قصد تدوین پایان نامه دارد.

د) روزآمد بودن سرفصلها. سرفصلی مطلوب به شمار می‌رود که روزآمد بوده و با تحولات جاری در سطوح مختلف و روندهای فکری روز همخوانی داشته باشد. از آنجا که عنوان بیشتر سرفصلهای رشته زبان فرانسه تا حدودی کلی است (خواندن متون، ترجمه متون، نگارش، دستورزبان، ادبیات) مدرس می‌تواند ضمن آموزش مطالب کلی، مطالب جدید را نیز در اختیار دانشجو قرار دهد اما باید توجه داشت که وجود عنوانهای کلی جدا از اینکه مدرس را در آموزش

آزاد می‌گذارد، باعث بروز نقیصه‌ای نیز می‌شود، یعنی هماهنگی لازم را در همه دوره‌های دانشگاهی که همانا هدف اصلی تهیه سرفصلهاست، خدشه‌دار می‌سازد. بنابراین بازیابی سرفصلها و روزآمد کردن آنها بسیار ضروری است.

۵) کاربردی بودن سرفصلها. سرفصل باید به گونه‌ای طراحی شود تا مطالب مورد نیاز درس مربوط را از حیث نیازهای کاربردی و برنامه‌ریزی پوشش دهد و هدف درس را تأمین کند. در سرفصلهای درسی رشته زبان فرانسه سعی بر این کار شده، اما تجربه به طور عملی نشان داده است که با گذراندن چندین واحد در خصوص ترجمه یا ادبیات، دانشجویان بسندرت قادر به ترجمه متون هستند یا می‌توانند در مورد نظریات و تفکرات یک نویسنده اظهار نظر کرده یا متنی را تفسیر کنند. به عنوان مثال یک دانشجوی رشته مترجمی زبان فرانسه بعد از گذراندن تنها ۳۴ ساعت درس ترجمه متون نظم و نثر - با در نظر گرفتن تمام تلاش یک استاد - نمی‌تواند به عنوان مترجم متون نظم و نثر شناخته شود، زیرا شاید به دلیل کثرت دانشجویان نتواند فرصت رفع تمام اشکالات خود را بیابد و سؤالات بسیاری در ذهن او بی‌جواب بماند.

۶) تناسب سرفصلها با حجم و تعداد واحد درسی. یک سرفصل درسی مطلوب می‌بایست متناسب با حجم و تعداد واحد درسی در نظر گرفته شود که خوشبختانه در برخی دروس این تناسب رعایت شده است. به عنوان مثال در دروسی چون خواندن متون ساده و آواشناسی. اما نکته مهمتر اینکه ماهیت درسها نیز باید با حجم و تعداد واحدهای درسی متناسب باشد. به عنوان مثال برای درس نظری تاریخچه ترجمه در ایران که ۲ واحد بوده و برای دانشجویان رشته مترجمی زبان فرانسه به زبان فارسی ارائه می‌شود همان ۳۴ ساعت آموزش در نظر گرفته می‌شود که برای درسی تخصصی، مشکل و به زبان فرانسه با عنوان درآمدی بر ادبیات فرانسه.

۷) اجتناب از تکرار و تداخل مطالب. یک سرفصل مطلوب می‌بایست از تکرارها و تداخل مطالب بدور باشد اما گاهی بناچار مدرس به این تکرارها تن می‌دهد، چرا که وجود برخی ابهامات در سرفصلها که قبلاً اشاره شد، مدرس را دچار نگرانی می‌سازد و نگرانی از ناگفته‌ها وی را مجبور می‌کند تا مطالبی را تکرار کند؛ البته در برخی موارد تکرار بویژه در رشته‌های زبانهای خارجی نه تنها مضر نبوده، بلکه سودمند نیز می‌باشد اما این تکرار تا جایی که لطمه به ارائه مطالب جدید وارد نکند، مقید است؛ در سرفصلها نیز مکرر شاهد این تکرارها هستیم به عنوان مثال در سرفصل دروس مکالمه (۱) و (۲)، که هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارد. در هر حال با وجود سرفصل مشابه و تکراری، باز هم نیاز به دروسی چون مکالمه احساس می‌شود، چرا که قوه

شنیداری و گفتاری دانشجو را تقویت می‌کند. درس ترجمه شفاهی (۱) و (۲) نیز مصداق این گفته‌اند.

بنابراین وجود ناهماهنگی در سرفصلها، ابهامات، عدم انسجام و مواردی از این قبیل که ذکر شد دانش‌آموختگان رشته زبان فرانسه را با هر دو گرایش مترجمی و ادبیات در گروههای مختلف آموزشی دانشگاهها اعم از تهران و شهرستانها دچار مشکل می‌کند.

در خاتمه پیشنهاد می‌شود در مقطع کارشناسی تنها به آموزش زبان فرانسه اکتفا و گرایشهای مترجمی و ادبیات بکلی حذف شود و پرداختن به آنها و کسب معلومات ادبی یا فنون ترجمه به مقاطع بالاتر اختصاص یابد. وجود تحصیل‌کردگان خارج از کشور (در اینجا فرانسه) حتی در رشته‌هایی غیر از زبان فرانسه - در پُستها و موقعیتهای شغلی‌ای که عملاً برای فارغ‌التحصیلان این رشته در ایران در نظر گرفته شده، نشان دهنده این نکته است که تقویت بنیه زبانی از کارآیی بیشتری برخوردار است و شاید بهتر بود به جای دروسی مانند ترجمه‌های گوناگون و ادبیات قرون مختلف به موضوعاتی چون خواندن و درک مفهوم متون گوناگون، دستور زبان، نگارش به زبان فرانسه، مکالمه، درک مطلب، بیان و ترجمه شفاهی همزمان پرداخته می‌شد و بدین ترتیب دانشجویان می‌توانستند در طول چهارسال بخوبی با این زبان آشنا شده و در مقاطع بالاتر به موارد تخصصی‌تر بپردازند؛ حتی در مقاطع بالاتر می‌توان از سه سال تحصیلات، یک سال به اطلاعات عمومی آن رشته اختصاص داد و در طول دو سال بعدی مطالب به طور تخصصی‌تر آموزش داده شود. به عنوان مثال دانشجویی که چهارسال زبان فرانسه را بخوبی فرا گرفته باشد و در مقطع بالاتر در رشته مترجمی پذیرفته شود یک سال اول را تنها به یادگیری اصول و فنون ترجمه بپردازد و دو سال بعد به طور تخصصی در متون اسلامی، علمی و فنی، سیاسی، اقتصادی و غیره کسب معلومات کند. اینگونه می‌توان به هدف تأسیس این رشته دست یافت. نکته دیگر آموزش تطبیقی است، زیرا دانشجویان رشته‌های زبان، هنگام فراگیری مطلب، در ذهن خود به دنبال معادلهایی در زبان مادری هستند و چه بسا معادل نادرستی را در ذهن خود برگزیده و جای دهند. پس بهتر است که این معادلهها به طور اصولی و صحیح در اختیار آنان قرار گیرد که البته این کار تنها در برخی دروس امکانپذیر است.

نکته دیگر بازنگری منابعی است که در انتهای سرفصل پیشنهاد شده‌اند که البته در زمان خود منابع معتبری بوده و هستند اما با توجه به منابع جدیدتر بهتر است این منابع مرتب مورد بازنگری قرار گیرند.

از دیگر مواردی که می‌تواند در فراگیری دروس به دانشجویان رشته زبان فرانسه بخصوص گرایش مترجمی و مدرسان در انتقال معلومات یاری دهد افزایش واحدهای زبان و ادبیات فارسی است، زیرا یک دانشجوی رشته مترجمی بدون اطلاع و آگاهی از ساختار زبان فارسی نمی‌تواند ترجمه‌ای شیوا و روان ارائه دهد و متأسفانه از دانشجوی ترجمه از متن فرانسه به فارسی خواسته می‌شود، در حالی که او فاقد شرایطی است که مترجم باید داشته باشد و آن آشنایی به زبان مبدأ و مقصد است.

هدف از این نوشتار تنها ذکر مطالبی بود که به نظر نگارنده توجه به آنها لازم است. زحمت و تلاشی که تهیه کنندگان این سرفصلها در زمان خود متحمل شده‌اند نیز ستودنی است، و ضمن تقدیر از ایشان پیشنهاد می‌شود که به منظور روزآمد بودن، این سرفصلها بازنگری شوند.

یادداشتها:

۱. در ۶ محرم سال ۱۲۷۶ شمسی وزارت معارف تعدادی دانشجو برای تحصیل به فرانسه اعزام کرد.
2. Saint Louis
3. Société de saint vincent de Paul
۴. با تصویب قانون شورای عالی فرهنگ در اسفند سال ۱۳۰۰ شمسی در مجلس و دخالت دولت در امور مدارس ملی و وضع مجموعه‌ای از مقررات، مدارس امریکایی و انگلیسی به کلی تعطیل شده بودند و تنها مدارس فرانسوی دایر بودند.
5. licence bilingue
۶. مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس کارشناسی زبان فرانسه در دو شاخه: ادبی، مترجمی، گروه علوم انسانی کمیته زبانهای خارجی، مصوب دویست و دهمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی مورخ ۱۳۰۶/۱۰/۶۹.
۷. فردانش، هاشم؛ «سرفصلها و جایگاه آنها در برنامه آموزش عالی کشور»، سخن سمت، تابستان ۷۸، ص ۴۶.
۸. در حال حاضر رشته زبان فرانسه علاوه بر دانشگاههای تهران (علامه طباطبایی - تهران - الزهرا - شهید بهشتی - تربیت مدرس) و دانشگاههای اهواز، مشهد، اصفهان و تبریز در دانشگاه آزاد اسلامی تهران و اصفهان و مؤسسه غیرانتفاعی قطب راوندی وابسته به آموزش عالی، مؤسسه کیش و کانون زبان ایران تدریس می‌شود.
۹. بهتر است درس خواندن و درک مفهوم متون گوناگون به عنوان پیشنیاز درس تفسیر متون ادبی در نظر گرفته شود.
۱۰. ساخت جملات و نکات دستوری مهم در سرفصل درس دستور زبان می‌گنجد.

منابع:

۱. صدیق، عیسی؛ تاریخ فرهنگ ایران؛ تهران: سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی، ۱۳۴۲.
۲. لقمان (نشریه مرکز نشر دانشگاهی به زبان فرانسه)، سال سوم، شماره دوم، چاپ دوم، زمستان ۶۸.